



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Exploring the Reasons for Inaction in the Use of Public Participation Tools in Legislation: a Qualitative Research

Hasan Danaeefard¹ | Hossein Babaei Mojarad² | Mahdi Abdolhamid³ | Jafar Zinatbakhsh⁴ | Mehdi Khosravi⁵

1. Department of Public Administration, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: hdanaee@modares.ac.ir.
2. Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran. Email: h.babae64@gmail.com.
3. School of Management, Economics, and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. Email: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir.
4. Department of Public Administration, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: j.zinatbakhsh@modares.ac.ir.
5. Corresponding Author: Department of Public Administration, Faculty of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: mehdikhosravi@modares.ac.ir.

Article Info

Article type: Research Article

Article history:

Received 8 April 2024

Received in revised form

2024 May 20

Accepted 2024 June 8

Published online

2024 August 16

Keywords:

policy inaction, legislation, public participation, open parliament, participatory tools, legislative process, thematic analysis

ABSTRACT

Objective: Although in the past decades, there has been a growing trend of designing and using public participation tools in the legislation of world parliaments, this trend is still not visible in the Iranian parliament. Therefore, this research aims to analyze the reasons for the inaction of the Iranian parliament in the use of these tools.

Methods: In order to collect data interviews were conducted with a number of parliamentarians, experts from the parliamentary research center, and experts in the policymaking and parliamentary fields, and thematic analysis method was used to analyze the results.

Results: The findings indicate the realization of passivity in 5 themes calculated, ideological, imposed, reluctant and inadvertent, which are derived from categories and subcategories. According to the results obtained, the most important reasons for the inaction of the parliament in using public participation tools are: insufficient knowledge of these tools and the consequences of their use, not considering this right legitimate and necessary for the general public, false and mistaken perceptions of requesting participation from the people, the lack of cultural and social infrastructure, the existence of the system of representative democracy, and finally the internal regulations of the parliament.

Conclusions: The results of this research can create new insights for experts, scholars and members of parliament. Finally, recommendations for future researches and Iranian parliamentarians have been provided.

Cite this article: Danaeefard, H., Babaei Mojarad, H., Abdolhamid, M., Zinatbakhsh, J & Khosravi, M. (2024). Exploring the Reasons for Inaction in the Use of Public Participation Tools in Legislation: a Qualitative Research. *Governance and Development Journal*, 4 (2), 3-18. <http://doi.org/10.22111/JIPAA.2024.469680.1176>

© The Author(s).

Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan.



DOI: <http://doi.org/10.22111/JIPAA.2024.469680.1176>



واکاوی دلایل انفعال در استفاده از ابزارهای مشارکت عمومی در قانونگذاری: یک پژوهش کیفی

حسن دانایی فرد^۱ | حسین بابایی مجرد^۲ | مهدی عبدالحمید^۳ | جعفر زینت‌بخش^۴ | مهدی خسروی^۵

۱. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: hdanaee@modares.ac.ir
۲. استادیار، گروه مدیریت اسلامی، پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: h.babae64@gmail.com
۳. استادیار، گروه مدیریت و فلسفه علم و فناوری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران. رایانامه: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir
۴. دکتری خطمشی‌گذاری عمومی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: j.zinatbakhsh@modares.ac.ir
۵. نویسنده مسئول، دکتری خطمشی‌گذاری عمومی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: mehdikhosravi@modares.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: اگرچه در دهه‌های گذشته، روند روبه‌رشدی از طراحی و به‌کارگیری ابزارهای مشارکت عمومی در قانون‌گذاری پارلمان‌های جهان به وجود آمده است، اما این روند در پارلمان ایران هنوز قابل مشاهده نیست. از این رو پژوهش حاضر با هدف واکاوی دلایل انفعال پارلمان ایران در کاربست این ابزارها انجام شده است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی
روش: برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌هایی با تعدادی از نمایندگان مجلس، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس و خبرگان حوزه خطمشی‌گذاری و پارلمانی انجام گرفت و برای تحلیل نتایج نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰
نتایج: یافته‌ها حاکی از تحقق انفعال در ۵ مضمون حساب شده، ایدئولوژیک، تحمیلی، اکراهی و سهوی است که از مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی مشتق شده‌اند. مطابق با نتایج بدست‌آمده مهم‌ترین علل انفعال مجلس شورای اسلامی در بهره‌مندی از ابزارهای مشارکت عمومی عبارتند از: عدم شناخت کافی از این ابزارها و پیامدهای کاربست آنها، مشروع و مورد نیاز ندانستن این حق برای عامه مردم، تصورات نادرست و اشتباه از مشارکت‌خواهی از مردم، فقدان زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، وجود سیستم دموکراسی نمایندگی و در نهایت آیین‌نامه داخلی مجلس.	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱
نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش می‌تواند بیش‌جیدی برای کارشناسان، دانش‌پژوهان و نمایندگان مجلس ایجاد کند. در نهایت توصیه‌هایی برای پژوهش‌های آینده و نمایندگان مجلس ایران ارائه شده است.	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹
	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶
	کلیدواژه‌ها: انفعال خطمشی، قانونگذاری، مشارکت عمومی، پارلمان باز، ابزارهای مشارکتی، فرآیند قانونگذاری، تحلیل مضمون

استناد: دانایی فرد، حسن؛ بابایی مجرد، حسین؛ عبدالحمید، مهدی؛ زینت‌بخش، جعفر و خسروی، مهدی. (۱۴۰۳). واکاوی دلایل انفعال در استفاده از ابزارهای مشارکت

عمومی در قانونگذاری: یک پژوهش کیفی. حکمرانی و توسعه، ۴(۲)، ۱۸-۳.

<http://doi.org/10.22111/JIPAA.2024.469680.1176>

© نویسندگان.

ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان.



مقدمه

پارلمان‌ها پر از پارادوکس هستند. از یک سو آنها به طور جمعی دیدگاه‌های همه شهروندان را نمایندگی می‌کنند و از سوی دیگر شهروندان خودشان را به طور جمعی با مجلس تعیین هويت نمی‌کنند. پارلمان‌ها باید نزدیک‌ترین نهاد سیاسی به مردم باشند، اما اغلب سخت‌ترین نهادها برای مشارکت مردم هستند. آنها سیاسی‌ترین نهادها هستند و در عین حال باید به شکلی غیرسیاسی به تصویر کشیده شوند تا به همه سلايق و وفاداری‌های سیاسی احترام بگذارند. آنها اغلب مورد انتقادترین نهادهای سیاسی هستند، اما سخنگوی واحدی برای دفاع از خود ندارند. پارلمان‌ها تعدادی از مشخصه‌ها را ترکیب و آنها را به نهادهایی به طور ویژه دشوار برای دفاع تبدیل می‌کنند. در بستری از گفتمان عمومی که ایده بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی رأی‌دهندگان به سیاستمداران را تقویت می‌کند و در جایی که پارلمان‌ها آمده‌اند تمام بدی‌های سیاست را به تصویر بکشند، آنها به یک نهاد کلیدی برای دفاع تبدیل شده‌اند. اما این واقعیت که آنها نهادهای بسیار قابل مشاهده، پاسخگو و جمعی هستند، آنها را به طور ویژه به نهادهایی آسیب‌پذیر از دید عموم تبدیل می‌کند که پیامدهایی در ایجاد (و توسعه) فعالیت‌های مشارکت عمومی دارد (خسروی، بابایی و زینت‌بخش، ۲۰۲۴؛ لستون - باندیرا^۱، ۲۰۱۴). با این وجود، بسیاری از شهروندان دیگر تنها به دموکراسی نمایندگی تکیه نمی‌کنند و متمایلند نقش مؤثرتری در حاکمیت پیدا کنند (وورمنز، تن ناپل و پاسیر^۲، ۲۰۱۵) و اگر از سیاست خارج می‌شوند نه به این دلیل است که نسبت به منافع عمومی بی‌علاقه یا بی‌تفاوت هستند، بلکه در واقع احساس می‌کنند به نیازهای آنها توجهی نمی‌شود (هوپ^۳، ۲۰۱۰). در سالیان اخیر به نظر می‌رسد که تصور روبه‌رشدی به وجود آمده است که دانش منحصر به متخصصان نیست، بلکه بین بازیگران متفاوت توزیع شده است (رانکورداس و وورمنز^۴، ۲۰۱۷). فلذا دیگر برای خطمشی‌گذاری و قانون‌گذاری صرف اتکاء به آرا و افکار متخصصان کافی نیست و باید از نظرات عامه مردم هم استفاده شود (خسروی و همکاران، ۲۰۲۴). به جهت همین اثرگذار بودن نظرات عامه است که گفته می‌شود خطمشی‌های عمومی و قوانین در پایتخت‌ها ساخته می‌شوند، اما در حومه شهرها و محله‌ها زندگی می‌کنند یا می‌میرند (هاولت و موخرجی^۵، ۲۰۱۸). با این حال، مشارکت عمومی اغلب به عنوان یک راه مهم برای بازگرداندن اعتماد و تقویت مشروعیت مجلس تلقی می‌شود که این مهم با فراهم کردن نقاط دسترسی متعدد به مجالس، اطلاعات شفاف و ایجاد امکان مشارکت در خطمشی‌گذاری میسر می‌گردد (خسروی و همکاران، ۲۰۲۴). به هر تقدیر، قوه مقننه در مرکز ثقل موضوعاتی قرار دارد که نیاز به بحث و گفتگوی فراوان^۶ و غنی‌سازی فراتر از محافل سیاسی و کارشناسی موجود دارد (آکوستا و همکاران^۷، ۲۰۲۲). به همین دلیل مجالس امیدوارند با گسترش بیشتر نقش مشارکتی خود، راه‌های جدیدی برای برقراری ارتباط گسترده‌تر با شهروندان و پیوند دادن نظام سیاسی ملی با آنها (سوسئو و رونیو^۸، ۲۰۱۷) ایجاد و دلبستگی خود را به نهاد پارلمان و به طور کلی به نظام دموکراتیک به عنوان یک کل، دوباره آغاز کنند (ماتیو و همکاران^۹، ۲۰۲۰).

همه آنچه گفته شد در حالی است که مجالس به دلیل ماهیت خود به طور سنتی نهادهای بسته‌ای بوده‌اند که به جهت قدرت و فرآیندهای تصمیم‌گیری، مصالحه بر سر منافع و حل تعارض و مانند آن اغلب نیازمند مشورت‌های پنهانی می‌باشند. ضمن آنکه استقرارشان به جهت فیزیکی در یک مکان واحد و بالتبع، فاصله‌شان با بسیاری از شهروندان امر مشارکت عمومی را با چالش مواجه خواهد کرد (گریفیث و لستون - باندیرا^{۱۰}، ۲۰۱۲). با این وجود، با توجه به روند جهانی باز شدن درهای مجالس به روی عموم مردم (که به منظور افزایش اعتماد سیاسی، افزایش شفافیت، افزایش مشارکت سیاسی، بهبود کیفیت قوانین و ... صورت

1. Leston-Bandeira
2. Voermans, ten Napel, & Passchier
3. Hoppe
4. Ranchordás & Voermans
5. Howlett & Mukherjee

۶. به دلیل تاثیرات گسترده‌ای که خطمشی‌های قانونگذاری در اقتصاد، جامعه و نظام سیاسی خواهند داشت.

7. Acosta et al
8. Su Seo & Raunio
9. Matthieu et al
10. Griffith & Leston-Bandeira

گرفته است) و از طرف دیگر تأکیدات اسناد بالادستی و رهبر معظم انقلاب بر مشارکت‌خواهی از عموم^۱ و طرح پارلمان مردمی در مجلس شورای اسلامی ایران، نمایندگان مجلس می‌بایست نسبت به طراحی و بکارگیری ابزارهای مشارکت عمومی در قانونگذاری، اقدامی عملی و مؤثر انجام می‌دادند. به جهت همین عدم اقدام، واکاوی دلایل انفعال و بی‌توجهی به این موضوع، مسئله محوری مقاله پیش‌روست و این مقاله بنا دارد دلایل، چالش‌ها و ملاحظات این بی‌عملی را تبیین و تحلیل نماید.

ادبیات و مبانی نظری

چارچوب نظری و مفهومی انفعال

بنا بر تعاریفی که پیشگامان علوم خطمشی (به عنوان مثال، دای^۲، ۲۰۱۶؛ اندرسون^۳، ۲۰۱۴) ارائه کرده‌اند، هرگونه اقدام یا انفعالی که از سوی حکومت‌ها و نظام حکمرانی انجام شود به منزله یک خطمشی عمومی تلقی می‌شود. خطمشی‌های عمومی به دنبال یافتن راه‌حلی برای مسائل خطمشی (مک‌کانل^۴، ۲۰۲۰) و دادن پاسخی منطقی به این مسائل هستند (هوپ^۵، ۲۰۱۰). مسائل خطمشی، نیازها، ارزش‌ها یا فرصت‌های تحقق نیافته برای بهبود محسوب می‌شوند (دان^۶، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر، مسائل به عنوان اختلافات غیرقابل قبول بین وضع واقع فعلی و وضعیت مطلوب آینده است؛ بین یک «هست» و «بایدی»^۷ که از نظر اجتماعی ساخته شده است (هوپ، ۲۰۱۰).

خطمشی‌گذاران و سیاستمداران در مواجهه با یک مسئله و در موقعیت تصمیم‌گیری می‌توانند چهار موضع متفاوت داشته باشند که عبارت است از: «انفعال»، «کم‌عملی»، «اقدام» و «بیش‌عملی»^۸. در ساحت انفعال و بی‌عملی، نظام حکمرانی در مواجهه با یک مسئله به دلایل مختلف هیچ اقدامی انجام نمی‌دهد؛ در ساحت کم‌عملی، خطمشی‌گذاران اقداماتی را انجام می‌دهند که درخور و مناسب حل یک مسئله نیست؛ در ساحت اقدام و عمل، اقدامات با اتکا به تحلیل دقیق و به‌اندازه انجام شده و مناسب‌ترین نوع ورود جهت پرداختن به یک مسئله است؛ و نهایتاً در ساحت بیش‌عملی، نظام حکمرانی دچار اقدامات متعدد و بیش از حد شده که بعضاً موجب بدتر شدن شرایط می‌شود (خسروی و همکاران، ۲۰۲۴). اگرچه خطمشی‌گذاران و سیاستمداران می‌توانند براساس شرایط و عوامل تأثیرگذار، نوع ورود و مداخله خود نسبت به مسائل مبتلا به را از بین چهار موضع مشخص کنند، اما دو موضع اقدام و انفعال بیشتر مورد توجه دانش پژوهان قرار گرفته است؛ موضعی که به طور انتزاعی، دو روی یک سکه هستند؛ به این صورت که هرگونه امتناع از اقدام ممکن است به سرعت به عنوان یک تصمیم برای انجام کاری تغییر شکل دهد (لاو و گارگ^۹، ۲۰۱۴).

۱. مسئولین باید زمینه‌ها، مدل‌ها، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم و فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی می‌شود این کارها را کرد. هم قوه مجریه، هم قوه قضائیه و هم قوه مقننه به شیوه خاص خود می‌توانند این را تأمین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه مردم و از نشاط جوانی جوانان ما می‌توانند استفاده کنند. این جزو کارهایی است که باید ان‌شاء‌الله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد. البته کارهایی در زمینه‌های مختلف شده و راه‌هایی باز شده است. اما بیش از این می‌شود کار کرد و حضور همه مردم را تأمین کرد، تا یک جوان، یک پیر، یک صنعتگر، یک مبتکر بدانند که در این حرکت عمومی در کجا قرار می‌گیرد. همه چیز با یک چنین سازوکاری به سامان می‌رسد (بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

2. Dye

3. Anderson

4. McConnell

5. Hoppe

6. Dunn

۷. کلمه هست (Is) در اینجا در واقع به «وضع موجود» یا «آنچه هست» اشاره دارد و کلمه باید (Ought) اشاره به «وضع مطلوب» یا «آنچه باید باشد» دارد.

8. Inaction, under-action, action, over-action

9. Love & Garg

با این اوصاف، انفعال حالتی است که در آن، عوامل خطمشی‌گذار، سازمان‌ها و شبکه‌ها در مورد موضوعات بحث‌برانگیز اجتماعی، با وجود پتانسیل برای اقدام (براون و استارک^۱، ۲۰۲۲) هیچ کاری انجام نمی‌دهند (مک‌کانل و تی‌هارت^۲، ۲۰۱۹). انفعال خطمشی را به عنوان نمونه و یا الگوی عدم مداخله توسط خطمشی‌گذاران فردی، سازمان‌های عمومی، دولت‌ها یا شبکه‌های خطمشی در رابطه با یک موضوع بحث‌برانگیز در قلمرو قدرتی که دارند تعریف می‌کند؛ جایی که سایر مداخلات قابل قبول صورت نگرفته است.

علی‌رغم آنکه بعضاً انفعال و بی‌عملی، یک حوزه مطالعاتی حاشیه‌ای برای دانش‌پژوهان و تحلیل‌گران خطمشی عمومی معرفی می‌شود، اما نباید از اهمیت آن غافل شد (مک‌کانل و تی‌هارت، ۲۰۱۴). در دهه‌های اخیر، علوم خطمشی تلاش زیادی داشته است که انفعال را به عنوان یک موضوع مهم در خود بپذیرد (مک‌کانل و تی‌هارت، ۲۰۱۹)، چراکه به طور معمول حکمرانی به عنوان اقدامات مستقیم برای کسانی که جامعه هدف دولت و مجلس هستند تعریف می‌شود (بیرز و نیکولز^۳، ۲۰۲۰). علاوه بر این، مطالعات ابزارهای خطمشی به طور طبیعی بر این ایده است که حکومت‌ها «کارهایی را انجام می‌دهند» و اینطور برنامه‌ریزی نشده‌اند که پرهیز، تأخیر، انتظار و دیگر ابزارها انفعال هدفمند را تأیید کنند. به همین دلیل یک مخرج مشترک در علوم خطمشی (صرف‌نظر از مفروضات ما در مورد اینکه چه چیزی «خطمشی» را تشکیل می‌دهد) آن است که یک چولگی یا سوگیری نسبت به مطالعه اقدام خطمشی و یک غفلت اساسی در نسبت انفعال خطمشی وجود دارد (مک‌کانل و تی‌هارت، ۲۰۱۹). این در حالی است که اقتصاددانان برای نشان دادن اهمیت انفعال، شاخص‌های هزینه انفعال^۴ را تولید می‌کنند. برای مثال، تحلیل‌های اولیه اقتصادی بهداشتی که توسط دانشکده بهداشت عمومی هاروارد انجام شد، «هزینه انفعال» را در دوره ۲۵ ساله ۲۰۰۵-۲۰۳۰، ۳۵ تریلیون دلار و «هزینه اقدام» را چندین مرتبه کمتر برآورد کرد (لوهسه، ارسبول و کینگو^۵، ۲۰۱۱). البته هزینه‌های انفعال اغلب ناشناخته و پراکنده‌اند و در نتیجه آسان‌تر در میان جامعه تقسیم می‌شوند (روت^۶، ۲۰۱۰) و به همین دلیل کمتر مورد توجه کارشناسان و عموم مردم قرار می‌گیرند.

چستی و چرایی مشارکت عمومی

از دهه ۱۹۶۰ میلادی، گفتمان‌ها و تکنیک‌های مشارکتی هسته اصلی فرآیندهای تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف جامعه و قلمروهای خطمشی در سراسر جهان بوده‌اند؛ پدیده‌ای که اغلب به عنوان چرخش مشارکتی^۷ از آن یاد می‌شود. سازوکارهای مشارکتی در ابتدا به‌عنوان راهی برای ورود دیدگاه‌های شهروندان و در جهت تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و بوروکراتیک تصور و طراحی شده بودند. همچنین تصور می‌شد که آنها به ابزاری برای پاسخگو کردن رهبران منتخب در قبال تصمیمات‌شان و برای توانمندشدن شهروندان از طریق فرآیند مشارکتی تبدیل شوند (برر، دوفور و مونتامبول^۸، ۲۰۱۸). با این حال، مشارکت عمومی در اصطلاح اساسی و بنیادی به عنوان «فرآیندی که به افراد در جوامع اجازه می‌دهد تا به طور مثبت به خیر عمومی^۹ کمک کنند» تعریف می‌شود (کابینگسی^{۱۰}، ۲۰۲۱).

1. Brown & Stark
2. McConnell & T Hart
3. Beyers & Nicholls

۴. اخیراً هم به غیر از شاخص «هزینه انفعال» (Cost Of Inaction (COI)، «هزینه‌های انجام هیچ کاری» مطرح شده است (Liefers et al., 2018).

5. Lohse, Ersbøll & Kingo
6. Ruth
7. participatory turn
8. Bherer, Dufour, & Montambeault
9. general good
10. Kabingesi

یک نظام دموکراتیک غیرمستقیم، یک نظام نمایندگی «رأی‌محور»^۱ است که در آن نقش مردم در حکمرانی فراتر از صندوق رأی نمی‌رود. در این نظام نمایندگان از اختیارات تفویض‌شده با این امید استفاده می‌کنند که حکمت یا خردشان به بهترین نحو ممکن است منافع واقعی کشورشان را تشخیص دهد و وطن‌پرستی و عشق به عدالت باعث می‌شود آن منافع عمومی را قربانی ملاحظات زودگذر یا جزئی نکنند. از آنجایی که شهروندان تا انتخابات بعدی نقش دیگری ندارند، بنابراین دموکراسی نمایندگی به چیزی تبدیل می‌شود که مشخصه آن انتخابات منظم و نهادهای نمایندگی بدون وجود فضایی جهت اعمال اراده مستقیم مردم است (موکونا و امباتو^۲، ۲۰۱۴). اما امروزه شهروندان به دنبال مشارکت در فرآیندهای قانون‌گذاری هستند، چراکه آنها می‌خواهند در انتخاب خط‌مشی‌ها، پژواک صدای خود را بشنوند (بیشوپ و دیوس^۳، ۲۰۰۲). مشارکت فزاینده و مستقیم شهروندان در فرآیند قانون‌گذاری، ضامن تقویت کارآمدی و مشروعیت کلی قانون‌گذاری، بهبود تناسب قانون با مسئله، افزایش کیفیت فرایند تقنین و در نهایت کمک به اجرا و انطباق قانون خواهد بود (وورمنز و همکاران، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، دهه‌های اخیر به خوبی شاهد افزایش کاملاً مشهود بی‌اعتمادی عمومی به سیاست، به ویژه در رابطه با نهادهای سیاسی اصلی مانند پارلمان‌ها بوده است. در این زمینه، تلاش‌های پارلمان برای تعامل با عموم مردم افزایش یافته و متنوع شده است (پریور و لستون-باندیرا^۴، ۲۰۲۲). تمایل مقامات ملی و حکومتی برای تعامل با عموم مردم یک عامل تعیین‌کننده نگرشی مهم برای تحقق مشارکت عمومی موفق است، همچنانکه به نظر می‌رسد مقامات ملی دیدگاه مثبتی نسبت به مشارکت عمومی پیدا خواهند کرد (میگلبرینک و ون دوواله^۵، ۲۰۲۲).

اما در ادبیات این حوزه دلایل متعددی برای درخواست مشارکت افراد وجود دارد که به اختصار به آنها پرداخته می‌شود. در واقع، دلیل اصلی مشارکت مستقیم مردم در فرآیند قانون‌گذاری همان است که جان دیویی^۶ (۱۹۸۱-۹۰) بیان داشت: «مردی که کفش می‌پوشد، نه کفاش، بهتر می‌داند به کجا می‌چسبد»^۷ (ذکرشده در فانگ^۸، ۲۰۰۶). در سال‌های اخیر دانش‌پژوهان دلایل متعددی را برای اثبات ضرورت مشارکت عمومی در قانون‌گذاری ذکر کرده‌اند که به اختصار عبارتند از: پیچیدگی طراحی و تدوین خط‌مشی‌های عمومی (هاولت و موخرجی^۹، ۲۰۱۸)، نوع مسئله‌مندی افراد و نحوه برخورد آنها با مسائل (خسروی و همکاران، ۲۰۲۴)، نیاز به گنجاندن نظرات شهروندان یا «کاربران نهایی» در تعریف مسئله (هاولت و موخرجی، ۲۰۱۸)، عدم قطعیت نتایج خط‌مشی (پلوچینوتا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۰)، عدم وجود شایستگی و دانش لازم بین تصمیم‌گیرندگان (فانگ^{۱۱}، ۲۰۰۶)، عدم آشنایی خط‌مشی‌گذاران با الگوی زندگی «انسان عادی»^{۱۲} (دین^{۱۳}، ۲۰۱۷)، دسترسی به اطلاعات و آمار دقیق و قابل اعتماد (رستریو و کریستینت^{۱۴}، ۲۰۰۴) احساس نیاز جهانی مشارکت مردم (سرا-سیلوا^{۱۵}، ۲۰۲۳)، کاهش شکاف بین شهروندان و نمایندگان (نیسن ریچاپس^{۱۶}، ۲۰۲۲)، و افزایش اعتماد عمومی (بیشوپ و دیوس^{۱۷}، ۲۰۰۲).

1. vote-centric
2. Mukuna & Mbao
3. Bishop & Davis
4. Prior & Leston-Bandeira
5. Migchelbrink & Van de Walle
6. John Dewey
7. the man who wears the shoe, not the shoemaker, knows best where it pinches
8. Fung
9. Howlett and Mukherjee
10. Peluccinota et al
11. Fang
12. common man
13. Dean
14. Restrepo & Christiaans
15. Serra- Silva
16. Niessen & Reuchamps
17. Bishop and Davis

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف شناسایی دلایل انفعال در طراحی و بکارگیری ابزارهای مشارکت‌خواهی از عموم مردم در قانونگذاری صورت گرفته و برای این منظور از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش‌دهی الگوها (یا مضامین) درون داده‌ها است (براون و کلارک، ۲۰۰۶). علاوه بر این، روشی مفید برای بررسی دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان مختلف پژوهش، برجسته کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، و ایجاد بینش‌های پیش‌بینی نشده است (نوول و همکاران، ۲۰۱۷). در این روش دو رویکرد استقرایی یا «پایین به بالا»، یا نظری یا قیاسی یا «بالا به پایین» وجود دارد که با توجه به نوع پژوهش حاضر از رویکرد استقرایی استفاده شده است. در حقیقت، رویکرد استقرایی به این معنی است که مضامین شناسایی شده به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند. تحلیل استقرایی فرآیندی برای کدگذاری داده‌ها بدون تلاش به منظور جا دادن آن در چارچوب کدگذاری قبلی یا پیش‌فرض‌های تحلیلی پژوهشگر است. در این معنا، این شکل از تحلیل مضمون مبتنی بر داده است (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

طرح پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، این مطالعه با هدف شناسایی و واکاوی دلایل انفعال در بکارگیری و استفاده از ابزارهای مشارکت عمومی در قانونگذاری مجلس ایران طراحی شده است. به همین منظور مبتنی بر پارادایم تفسیری، رویکرد پژوهش کیفی اتخاذ شده است تا بتوان با بررسی دقیق این موضوع، دلایل این انفعال را شناسایی کرد.

مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان این پژوهش، نمایندگان مجلس، مدیران و کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس، و تعدادی از دانش‌پژوهان خط‌مشی عمومی و قانونگذاری بوده است. به توصیه وایت و مارش^۳ (۲۰۰۶) نوع نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است.

گردآوری داده‌ها

شیوه جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بوده و پس از طراحی پروتکل مصاحبه، برای جمع‌آوری داده‌ها، با ۱۷ نفر از خبرگان این حوزه تا رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است.

تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون ۶ مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. این مراحل شامل مرحله اول، آشنایی با داده‌های خود؛ مرحله دوم، تولید کدهای اولیه؛ مرحله سوم، جستجو برای مضامین؛ مرحله چهارم، مرور مضامین؛ مرحله پنجم، تعریف و نامگذاری مضامین؛ و در نهایت مرحله ششم، تهیه گزارش است. پس از بررسی تمام رونوشت‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، ابتدا واحدهای معنی‌شناسایی و سپس برای هر یک از آنها کدی در نظر گرفته شد. در ادامه همه کدها بررسی و کدهایی که دارای همپوشانی بودند، حذف شدند. این کار از طریق مقایسه مداوم شباهت‌ها و تفاوت‌های بین کدها به مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها انجام شد. در مرحله بعدی، پس از مطالعه تمامی کدها، همان کدها در یک مجموعه (زیر مقوله) قرار گرفتند و سپس با بررسی دقیق زیرمقوله‌ها و قرار دادن زیرمقوله‌های مشابه، مقوله‌های اصلی مشخص شدند. در نهایت با مطالعه و بررسی دقیق مقوله‌های اصلی و قرار دادن مقوله‌های اصلی مشابه در یک گروه، مضامین شناسایی شدند. برای افزایش کیفیت مطالعه، از چک لیست ۱۵ نکته‌ای که معیارهایی را برای تحلیل مضمون خوب توصیه می‌کند استفاده شد (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

1. Braun & Clarke
2. Nowell et al
3. White & Marsh

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل و دلایل انفعال در مشارکت عمومی پارلمانی شامل ۵ مضمون است که عبارتند از: حساب شده، ایدئولوژیک، تحمیلی، اکراهی و سهوی. همان‌طور که در جدول (۱) مشخص شده است، این مضامین از مقوله‌ها، و زیرمقوله‌ها و مبتنی بر کدهای اولیه شکل گرفته است.

جدول ۱: کدها، زیرمقوله‌ها، مقوله‌ها و مضامین			
مضمون	مقوله	زیر مقوله	کدها
حساب شده	شرایط امکان	تخصیصی بودن	پیچیدگی و درهم‌تنیدگی قوانین دموکراسی نمایندگی
		نابالغ بودن	فقدان بلوغ اجتماعی و شهروندی در امر مشارکت
	محاسبه‌گرایی (عقلانیت ابزاری)	قدرت‌طلبی	نبود اهتمام سیاسی احساس به خطر افتادن قدرت قانون‌گذاری نمایندگان
		منفعت‌طلبی	تمایل به عدم افشاء منافع
ایدئولوژیک	مصلحت‌سنجی	انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی	صیانت از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب
	اقتدارگرایی	پدرسالاری	نظریات و ایدئولوژی‌های سیاسی تفکر قیم‌مایانه
		تنگ‌نظری	حذف نقطه نظرات مخالف
تحمیلی	انحصارگرایی	تمامیت‌خواهی	اختیارات هیات رئیسه مجلس آیین‌نامه داخلی مجلس
	گفتمان‌سازی (برساخت اجتماعی)	روایت‌سازی (داستان‌پردازی یا مدیریت افکار عمومی)	امکان کنشگری لابی‌گران و گروه‌های ذینفع اثرگذاری جریان رسانه‌ای معاند بر افکار عمومی
اکراهی	نظام انگیزشی	بی‌تفاوتی	عدم وجود خواست عمومی نبود سیستم ارزشیابی کنش جمعی
		زیرساخت‌های نهادی	تقویم خطمشی
	مسائل غیر ملی		تمرکز بر مسائل حوزه انتخابیه
	ضعف فناوری		نبود زیرساخت‌های فناورانه
	پیچیدگی‌های زمینه‌ای	ریسک	مشخص نشدن پیامدهای کاربردی این ابزارها میانبرهای ذهنی و محاسبات سرانگشتی
		عدم قطعیت (پیش‌بینی ناپذیری)	تغییرات اجتماعی شتاب فناورانه
سهوی	کژ رفتاری	خودبسندگی (خودمحوری)	عدم احساس نیاز از سوی نمایندگان خطرگریزی و ترس از ناشناخته‌ها اجتناب از سرزنش تابوهای سیاسی
		سوگیری‌های شناختی	لنگرگاه‌های ذهنی
			خطای کلیشه‌ای

تفصیل مضامین و مقولات مربوط به انفعال در اخذ مشارکت عمومی به شرح ذیل است:

مضمون ۱: حساب شده

انفعال حساب شده یا عامدانه به مواقعی اشاره دارد که عامل قانون‌گذار و خطمشی‌گذار، تعمداً و از روی حساب و کتاب نسبت به یک موضوع یا مسئله کنشی انجام نمی‌دهد و سیاق منفعلانه را در پیش می‌گیرد. به عبارت دیگر، در برخی از شرایط، به دلایل متعددی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، خطمشی‌گذار مایل است انفعال حساب شده داشته باشد تا از قیل این اقدام به برخی منافع برسد یا از ضرر جلوگیری کند.

مقوله ۱: شرایط امکان

به باور عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان، زبان قانون‌گذاری، زبانی پیچیده و فنی است و عموم افراد درک دقیق و تخصصی از این حوزه ندارند. به عبارت دیگر، «تخصصی بودن» قانون‌گذاری و طرح مباحث متعدد پیچیده و چندبعدی، نیازمند حضور افرادی با تخصص‌های گوناگون است و طبعاً عموم مردم نمی‌توانند نظر تخصصی بدهند و اگر هم بتوانند، آیا امکان چنین زیرساختی در کشور وجود دارد یا خیر؟ اگرچه در ادبیات دموکراسی، نظامات دموکراسی نمایندگی، دموکراسی مستقیم و دموکراسی نیمه‌مستقیم مطرح می‌شود، اما به جهت امکان، معمولاً گرایش نظامات پارلمانی کشورها به سمت دموکراسی نمایندگی است؛ چراکه در دموکراسی مستقیم، امکان اندکی جهت اظهار نظر یکایک شهروندان ناظر به موضوعات متعدد حکمرانی وجود دارد. به همین خاطر، ایشان عده معدودی را به عنوان نماینده جهت اعمال نظر در موضوعات مهم عمومی انتخاب کرده و روانه پارلمان‌ها می‌کنند. ضرورت نمایندگی در نظامات مردم‌سالار، موجد این تصور یا توهم در برخی نمایندگان بوده است که مردم فاقد بلوغ اجتماعی و شهروندی «نابالغ» برای مشارکت در فرایند قانون‌گذاری هستند و آنها نسبت به سایر مردم، اعلی، اصلح و دلسوزتر به خیر و صلاح جامعه و کشورند. به همین دلیل است که این دسته از نمایندگان، امر آموزش و توانمندسازی مردم را اولویت داده و بعد از آن توصیه به استفاده از پتانسیل ایشان برای مشارکت در امر کشورداری می‌کنند.

مقوله ۲: محاسبه‌گرایی (جاه‌طلبی)

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند برخی از نمایندگان حق قانون‌گذاری را در ید قدرت خود دانسته و قائل به گشودن عرصه قانون‌گذاری به روی عموم مردم و سایر ذینفعان غیرحاکمیتی نیستند. در واقع آنان با «قدرت‌طلبی» متمایلند قانون‌گذاری را به عنوان عامل اقتدار، منحصر در خود کرده و عموم را در آن مشارکت ندهند؛ چراکه بازتوزیع قدرت منجر به افزایش دامنه شمول و حضور عموم در حیطه تصمیم‌گیری می‌شود. در برخی از قوانین نیز به جهت وجود برخی امتیازها و وجود منافع خاص، گرایش به بررسی در یک فضای بسته و تاریک وجود دارد تا آن امتیازها از رهگذر مشارکت عمومی افشا نشود. به همین دلیل یکی از عوامل انفعال را باید «منفعت‌طلبی» برخی نمایندگان در متوجه کردن برخی منافع به سمت خود دانست.

مضمون ۲: ایدئولوژیک

مضمون دوم، انفعال ایدئولوژیک است. این نوع انفعال، ثمره عوامل فرهنگی و ارزش پایه و برخاسته از خواستگاه‌های فرهنگی، هنجارها و باورهای اجتماعی و نظام ارزشی یک جامعه است و لزوماً با شواهد علمی قابل اثبات نیست.

مقوله ۱: مصلحت‌سنجی

یکی از دلایل ایدئولوژیکی انفعال در مشارکت، می‌تواند شکلی از «انقلابی‌گری و آرمان‌گرایی» باشد. بعضی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که مشارکت مردم در فرایند قانون‌گذاری، امکان انحراف مسیر حکمرانی از آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را فراهم می‌کند. لذا برخی از نمایندگان برای جلوگیری از این پیامد منفی، به سمت عدم مشارکتی کردن قانون‌گذاری می‌روند. وجود چنین مخاطرات و اثری که مشارکت عمومی بر حفظ و صیانت از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب محتمل است داشته باشد، این مهم را ممتنع کرده است. این معنا در شرایطی است که نظام قانون‌گذاری ایران، شورای نگهبان قانون اساسی را

مسئول تطابق مصوبات مجلس با شرع و قانون قرار داده و لذا نگرانی در این خصوص، بلاوجه است.

مقاله ۲: اقتدارگرایی

به زعم مصاحبه‌شوندگان، برخی از نظریات و ایدئولوژی‌های موجود، اساساً قانون‌گذاری را عمل نخبگان می‌دانند که باید در سطح نخبگان علمی-اجرایی محصور بماند. به عبارت دیگر، بر طبق این نظریات، افرادی که وکیل و نماینده مردم هستند، از طرف مردم این مسئولیت را به گردن گرفتند تا به جای آنها تصمیم‌گیری کنند و خود این موضوع مبنای عدم مشارکت‌پذیری شده است. شاید این رویکرد «پدرسالارانه» این تصویر را در بین نمایندگان ایجاد کرده است که آن‌ها خود را قیم مردم بدانند. تقویت تفکر قیم‌مآبانه باعث می‌شود یک نماینده، یک اقدام یا یک تصمیم را علی‌رغم میل دیگران هرچند با انگیزه نفع رساندن به آنها اتخاذ نماید.

دلیل دیگری که برای عدم مشارکت‌خواهی از مردم می‌توان طرح کرد، حذف نقطه نظرات مخالف با «تنگ‌نظری» است. مشارکتی کردن قانون‌گذاری منجر به این می‌شود که افرادی با نگاه‌های مختلف به اظهار نظر مبادرت کنند که این موضوع خود موجب تکثر و بعضاً تشتت نظری و عملی خواهد شد.

مضمون ۳: تحمیلی

انفعال نوع سوم، انفعال تحمیلی است که به شرایطی اشاره دارد که عوامل اثرگذار بیرونی (چه خارج از مجلس و چه خارج از کشور) این نوع رفتار یعنی عدم مشارکت‌خواهی از عموم را بر نمایندگان تحمیل کند. در واقع، در این حالت مجموعه‌ای از رفتارها و تصمیمات بر نمایندگان تحمیل می‌شود.

مقاله ۱: انحصارگرایی

در ادامه مصاحبه‌شوندگان به اختیارات هیأت رئیسه مجلس اشاره داشتند. آنها عطف به بازبینی آیین‌نامه داخلی مجلس در دوره نهم، معتقدند هیأت رئیسه مجلس اختیارات زیادی برای مداخله در فرایند قانون‌گذاری دارد که نافی مشارکت عمومی و حتی مشارکت نمایندگان است. به عبارت دیگر این اختیارات در برخی از مواقع منجر شده است وزن مجموع نمایندگان بسیار کمتر از هیأت رئیسه باشد و در عمل هیأت رئیسه، قواعد بازی را تعیین و تحمیل کند. این موضوع موجب بروز شکلی از «تمامیت‌خواهی» در هیأت رئیسه شده و در نتیجه در برخی امور، انفعال به نمایندگان تحمیل می‌شود. شایان ذکر است، آیین‌نامه داخلی مجلس نیز در عین حال که ردپای مشارکت سیاسی و نظرخواهی از نخبگان را تعبیه کرده، اما نسبت به مشارکت عمومی سکوت کرده است. لذا در مواردی که می‌توان از نظرات و آراء و افکار عمومی جهت غنای مباحث استفاده کرد، این مباحث مورد توجه قرار نگرفته است.

مقاله ۲: گفتمان‌سازی (برساخت اجتماعی)

از طرف دیگر، لابی‌گران و گروه‌های ذینفع در فرایند چانه‌زنی با نمایندگان، آنها را از مشارکت عمومی برحذر می‌دارند. آن‌ها خود را به عنوان نماینده مردم و جریانات عمومی معرفی می‌کنند، ولی در عمل نظرات شخصی خود را زیر چتر منفعت عامه به نمایندگان تحمیل کرده و عدم نیاز به مشارکت عمومی را نتیجه می‌گیرند. برخی از نمایندگان نیز از بیم خلط میان نظر مردم با گروه‌های فشار یا ذینفع و اینکه بخواهند منافع خود را در پوشش خواسته‌های عمومی صورت‌بندی کنند، از نضج گرفتن مشارکت عمومی بیم دارند.

عامل دیگری که مصاحبه‌شوندگان در انفعال تحمیلی طرح کردند «اثرگذاری جریان رسانه‌ای معاند بر افکار

عمومی» است. با توجه به سوءاستفاده‌هایی که رسانه‌های معاند ممکن است بر کیفیت خواسته‌های مردم در حوزه‌های مختلف قانون‌گذاری داشته باشند، نمایندگان در تعقیب تحقق این مهم محتاطانه‌تر عمل می‌کنند. هرچند، رسانه‌ها غالباً می‌توانند از طریق تکنیک‌های رسانه‌ای منفعت عمومی را به تاراج ببرند. در واقع، آن‌ها با «روایت‌سازی» (داستان‌پردازی یا مدیریت افکار عمومی) به دنبال تأثیرگذاری و تحت فشار قرار دادن حکمرانان و نمایندگان هستند و بدین ترتیب انفعال در مشارکت‌خواهی را بر آنان تحمیل می‌کنند.

مضمون ۴: اکراهی

انفعال نوع چهارم به اکراه اشاره دارد. در بعضی از مواقع دیده شده است که خطمشی‌گذاران از سر ناچاری و اکراه یک سری از تصمیمات را می‌گیرند یا نمی‌گیرند. در واقع، آنها بر خلاف خواسته درونی خود اقدام یا انفعال می‌کنند، چون شرایط و لوازم مورد نیاز را تمهید نمی‌بینند.

مقوله ۱: نظام انگیزشی

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که نبود خواست عمومی یکی از دلایل بی‌عملی نمایندگان در مشارکت عمومی است. در واقع آنان معتقد هستند بسیاری از نمایندگان به دلیل اینکه از سوی مردم مطالبه‌ای برای مشارکت عموم در فرایند قانون‌گذاری نمی‌بینند، از روی اکراه و از سر ناچاری در این مورد منفعلانه رفتار می‌کنند، چرا که آن‌ها نمایندگی آراء، افکار و خواسته عمومی را برعهده دارند و مدعی هستند که کسی از آنها چنین درخواست‌هایی ندارد! همچنین دلیل دیگر، نبود سیستم ارزشیابی مناسب و فقدان نظام انگیزشی است. اینکه در برخی مجالس دنیا هر طرحی که از سوی نمایندگان مطرح می‌شود، به اصطلاح، طراح طرح، ضمیمه طرح شده، نامش به آن طرح گره خورده، و در آینده مزایا و معایبی متوجه او می‌شود، باعث می‌شود هم مردم بتوانند عملکرد یک فرد را ارزیابی کنند و هم انگیزه مشخصی برای فرد به وجود آید تا در کنار تصویب آن طرح، نشان (برند) خود را در جامعه ارتقاء دهد. از آنجایی که در مجلس ایران این امکان وجود ندارد، افراد انگیزه خاصی برای پیش‌قراولی در نظام قانون‌گذاری ندارند و به «بی‌تفاوتی» در این عرصه دچار هستند و ترجیح می‌دهند تا به امور روزمره، کم‌حاشیه و کم‌مخاطره بپردازند.

مقوله ۲: زیرساخت‌های نهادی

دلیل دیگری که مصاحبه‌شوندگان به آن اذعان داشتند، کمبود فرصت و زمان نمایندگان بود. بعضی از نمایندگان در عین اعتقاد به اثربخش بودن مشارکت عمومی، نبودن زمان کافی برای تحقق فرایند مشارکت عمومی را عاملی بر انفعال اکراهی می‌دانند. در واقع محدودیت‌های «تقویم خطمشی» و فشارهای ناشی از کمبود زمان، مانع اقدام نمایندگان به جلب مشارکت عموم در قانون‌گذاری می‌شود. در این راستا نمایندگی حوزه انتخابیه نیز تأثیرگذار است. نمایندگان مجلس در موقعیت تمرکز بر مسائل حوزه انتخابیه هستند که ممکن است آن‌ها را فارغ از مسائل ملی کند و به همین جهت امکان اندیشیدن برای بهبود فرایند قانون‌گذاری ممکن است از ایشان سلب شود. به عبارت دیگر با توجه به وجود یک مجلس در نظام سیاسی ایران، و سازوکار حساب‌پس‌کشی از دولت که در حوزه اختیارات نمایندگان مجلس قرار دارد، این امکان برای نمایندگان فراهم شده که بتوانند از دولت برای حوزه انتخابیه خود بودجه بیشتر و امکانات و غیره اخذ کنند. به همین دلیل، بسیاری از وقت آنها صرف «مسائل غیرملی» می‌شود. به هر حال، تعدادی از مردم، نمایندگان را ملجأ خود می‌دانند و نمایندگان هم به ناچار برای تأمین خواسته‌های مشروع / نامشروع آنان، به اقدامات لازم مبادرت می‌ورزند. همچنین نبود زیرساخت‌های فناورانه و «ضعف فناوری» علی‌الخصوص برای ساکنان سایر شهرها که برای مشارکت در امر قانون‌گذاری با محدودیت حضور مواجه هستند، از دیگر عوامل انفعال نمایندگان در جلب مشارکت عمومی در قانون‌گذاری می‌باشد.

مقوله ۳: پیچیدگی‌های زمینه‌ای

در بخشی از مصاحبه‌ها، دو دیدگاه در خصوص اثربخشی مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری وجود داشت. نخست آنکه به زعم برخی از مصاحبه‌شوندگان، مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری، احتمالات ناشناخته و نتایج غیرقابل پیش‌بینی دارد. به عبارت دیگر هیچ احتمال دقیق و نتایج قابل پیش‌بینی از کاربست این روش‌ها در دسترس نیست که این معنا بر «عدم قطعیت» دلالت دارد و این عدم قطعیت در وجود احتمالات ناشناخته و نتایج غیرقابل پیش‌بینی است. تعیین کمیت یا ارزیابی عدم قطعیت به دلیل کمبود اطلاعات دشوار است، در حالی که ریسک را می‌توان به صورت عینی تعیین و ارزیابی کرد. از

اینرو مصاحبه‌شوندگان با اشاره به تغییرات اجتماعی گسترده در سطح جامعه و شتاب فناورانه، استدلال کردند که تصادفی بودن نتایج مشارکت عمومی را حتی نمی‌توان بر حسب احتمالات خاص بیان کرد و بدین ترتیب انفعال مجلس را در مشارکت عمومی به این مفهوم مرتبط دانستند.

از سوی دیگر، به زعم برخی از نمایندگان، به دلیل اینکه هنوز پیامدهای واقعی و ناخواسته کاربست این ابزارها به طور دقیق و شفاف مشخص نشده است، به سمت استفاده از این ابزارها نخواهند رفت که به نوعی دلالت به «ریسک» دارد. ریسک شامل احتمالات شناخته‌شده و قابل اندازه‌گیری است. بنابراین از آنجایی که هنوز به طور مشخص و قطعی مزایا و معایب مشارکت عمومی، و نیز کارکردها و کژکارکردهای احتمالی این ابزارها مشخص نشده است، خطمشی‌گذاران را به احتیاط وامی‌دارد. مصاحبه‌شوندگان مدعی هستند قانونگذاران برای غلبه بر ریسک و ساده‌تر کردن موضوع ترجیح می‌دهند بر میانبرهای ذهنی و محاسبات سرانگشتی خود تکیه کنند که به همین جهت از نظرخواهی از عموم فارغ می‌شوند.

لذا می‌توان گفت عدم قطعیت و ریسک طبق نظرات مصاحبه‌شوندگان، از جمله عوامل انفعال در مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری در مجلس ایران است و این دو زیرمقوله در این پژوهش، ذیل مقوله «پیچیدگی‌های زمینه‌ای» قرار داده شده است.

مضمون ۵: سهوی

انفعال نوع پنجم به امور سهوی اشاره دارد. در بعضی از مواقع دیده شده است که خطمشی‌گذاران از روی اشتباه و سهو تصمیماتی می‌گیرند یا نمی‌گیرند. در واقع، آنان گاهی و به دلایلی نظیر سوگیری‌های شناختی، خطاهای ذهنی و سهل‌انگاری، از انجام یک کنش بازمی‌مانند. این نوع انفعال به عوامل ذهنی و شخصی اشاره دارد.

مقوله ۱: کژرفتاری

به زعم مصاحبه‌شوندگان، برخی از نمایندگان به مشارکت‌خواهی از عموم در امر قانونگذاری احساس نیاز نمی‌کنند. این ادعا اشعار به حس خودبرتربینی و اعتمادبه‌نفس زیاد آنها دارد که به نوعی قائل به طبقه‌نخبگان و خواص در برابر طبقه عوام هستند. آنان مواجهه با امور پیچیده و دشوار تخصصی را در دامنه بضاعت خود می‌دانند. لذا به نوعی به «خودبسندگی» در تصمیم‌گیری دچار شده و احساس نیازی به دخالت دادن مردم و نظرخواهی از عموم در امر قانونگذاری ندارند و در نتیجه در این راستا اقدامی نمی‌کنند.

مقوله ۲: سوگیری‌های شناختی

مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند ریشه بسیاری از انفعال‌ها، اجتناب از سرزنش است. در واقع در بعضی از فرهنگ‌ها و جوامع، سیاستمداران به دلیل اینکه از سرزنش در امان بمانند ترجیحاً هیچ کاری نمی‌کنند و حافظ وضع موجود هستند. از اینرو آنان سیاق خطرگریزی را در پیش می‌گیرند و این موضوع عامل عبور از نظرخواهی از عموم مردم خواهد بود. چرا که آنها اساساً اقدامات جدید را مخاطره‌آمیز تلقی می‌کنند. البته این موضوع هم راستا با ترس از ناشناخته‌ها هم هست. برخی از نمایندگان به جهت عدم اشراف بر نتایج مشارکت عمومی در امر قانون‌گذاری و پیش‌بینی برخی ضررهای محتمل، اکراهاً دچار عدم اقدام در این حوزه شده‌اند. به عبارت دیگر، ترس از ناشناخته‌ها، موجب این نوع رفتار شده است. همچنین، بعضی از نمایندگان نسبت به موضوع مشارکت موضع دارند و به نوعی درگیر تابوی سیاسی در این ارتباط هستند. از آنجا که تاکنون این نوع مداخله و ورود مردم در ساختارهای حکمرانی ایران به طور مستقیم ایجاد نشده بود، تصور می‌کنند یک تابو وجود دارد و به سمت شکستن آن نخواهند رفت. این دلایل همگی اشعار بر وجود «لنگرگاه‌های ذهنی» در بین برخی نمایندگان دارد که آنان را به سوی سوگیری‌های شناختی سوق می‌دهد.

یکی از خطاهای شناختی قانونگذاران این است که تصور می‌کنند «هر آنچه وضع کنند اجرا می‌شود». به عبارت دیگر، تصور شایعی در اذهان برخی خطمشی‌گذاران و قانونگذاران وجود دارد که گمان می‌کنند تصویب قانون به جهت ابتننا بر قدرت قهریه، ضمانت اجرا خواهد یافت. فلذا نیازی به مشارکت عمومی نمی‌بینند. درحالی‌که از علل اجرای مطلوب قانون، مشارکت

عمومی در فرایند قانون‌گذاری است و با همراهی عموم و ذینفعان از مخاطرات احتمالی در مرحله اجرا به شدت کاسته می‌شود. از سوی دیگر، در بین بعضی از نمایندگان، قانون‌گذاری به مثابه یک کار انفرادی تصور می‌شود. چون قانون‌گذاری در مجلس ایران بیشتر صبه فردی دارد و طراح اغلب به تنهایی پیش‌نویس را می‌نویسد. علاوه بر این، به دلیل مخاطراتی که برای ارائه نظرات مخالف وجود دارد و این تصور که نمایندگان، خود را در بین بقیه مرجع می‌دانند، عملاً دایره قانون‌گذاری را محدود به خود می‌کنند و هرگونه ارائه نظر را محدود و حذف می‌نمایند. همچنین به دلیل مسئولیت فردی که متوجه فرد طراح خواهد بود، ترجیح می‌دهد منحصرأ در این فرآیند نقش آفرینی کند. تمامی این موارد به وجود نوعی «**خطای کلیشه‌ای**» در بین برخی از نمایندگان و قانونگذاران دلالت دارد. از اینرو آنان دلیلی برای دخالت مردم و نظرخواهی از عموم در امر قانون‌گذاری نمی‌بینند و در نتیجه در این راستا اقدامی نمی‌کنند.

بحث

مشارکت عمومی شهروندان در فرآیند قانون‌گذاری در عین اهمیت و ضرورت با موانع نهادی مهمی در کشور مواجه است. یکی از این موانع که مبتنی بر نظریه انتخاب عمومی قابل تحلیل است مواجهه انتفاعی سیاسیون با موقعیت‌های شغلی خویش برای بقاء است. نمایندگان مجلس ایران، منتخب حوزه‌های انتخابیه محلی خود هستند و این در حالی است که در موقعیت قانون‌گذاری در حوزه مسائل ملی قرار گرفته‌اند. فلذا از یکسو و به دلیل اینکه رأی‌دهندگان، ترجیحات خطمشی خود را به نمایندگان مجلس واگذار کرده‌اند، نمایندگان باید در قبال آنها پاسخگو بوده و تلاش معتنا بهی را صرف جلب نظر آنها کنند (باندی^۱، ۲۰۱۸). از سوی دیگر چون نمایندگی عموم را برای تمشیت مسائل عمومی می‌کنند، لازم است به تأمین و تضمین منافع عامه اهتمام نمایند و این دوگانه، موقعیتی پارادوکسیکال را برای نمایندگان ایجاد کرده است. به جهت آنکه موافق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام پارلمانی کشور، نظام تک‌مجلسی است، لازم است پاسخ این موقعیت متناقض‌نما در داخل همین مجلس داده شود و از آنجا که اقتصاد سیاسی و نیاز به رأی‌آوردن نمایندگان در دوره‌های بعدی انتخابات مجلس ایجاب می‌کند که نظر رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخابیه مراعات شود، معمولاً پاسخ بر این موقعیت متناقض‌نما به نفع تمایلات بخشی و حوزه‌ای و نه منافع و مصالح ملی خواهد بود.

یکی از راهبردهایی که برای رفع این مانع در نظامات پارلمانی برخی از کشورها اندیشیده شده است، دو پارلمانی شدن نظام قانون‌گذاری است. مجلس اول که در قیومیت نخبگان ملی است به مسائل ملی و کلان بیندیشد و مجلس دیگر مسائل محلی و خرد را پیگیری نماید. این موضوع به جهت آنکه در نظام پارلمانی ایران متوقف بر تغییر برخی اصول قانون اساسی است با مشقاتی همراه است. راهکار میان‌مدت برای رفع معضله فوق، تمرکززدایی از مجلس برای قانون‌گذاری در حوزه مسائل محلی و واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری در ارتباط با آن مسائل در سطح استان‌هاست. راهکاری که در کوتاه‌مدت قابل تعقیب است ایجاد گزینه‌های کنش‌گری فعال در سطح عمومی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی برای نمایندگان است که با نوعی ابهام شغلی بعد از دوره نمایندگی مواجه نباشند که مجبور شوند در ظرف و زمان نمایندگی، فکری برای آینده شغلی خود کنند.

مانع نهادی دیگر، فقدان انگیزه عمومی برای مشارکت در فرایند قانون‌گذاری است. اگرچه هوشمندسازی فرایندها از جمله فرایند نظرخواهی از مردم در مسائل عمومی، در کشور ایران به تناسب سایر کشورها (بر اساس شاخص EGDI) توسعه معتنا بهی کرده است، اما میان ایجاد امکان‌های زیرساختی الکترونیک برای مشارکت با تحقق مشارکت عمومی تلازم قابل توجهی وجود ندارد. موفقیت دموکراسی مشارکتی مستلزم وجود شهروندی متعهد و برخوردار از انگیزه قوی برای مشارکت است و در حالی که امروزه سازماندهی مشارکت شهروندان به دلیل وجود اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات آسان‌تر شده است، این امر به‌طور خودکار متضمن تعهد و مشارکت فعال در قالب ابزار نظر و تمایل به گفت‌وگو به منظور تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری نیست (وورمنز و همکاران، ۲۰۱۵).

باید امکان مشارکت عمومی را از انگیزه‌بخشی به شهروندان برای تحقق آن مهم، جدا کرد و این امر مستلزم آموزش و توانمندسازی شهروندان و البته ایجاد زیرساخت‌های لازم همچون الکترونیکی کردن یا هوشمندسازی فرایند مشارکت است. اما انگیزه‌بخشی در گرو تقویت این حس است که تخصیص زمان و مشارکت شهروندان در امر قانون‌گذاری می‌تواند به رشد و تعالی خود ایشان و کشور کمک کرده و کیفیت قوانین را بهبود بخشد و به عنوان یک راهبرد، شهروندان ناراضی را به جریان اصلی سیاسی بازگرداند (بیشوپ و دیوس، ۲۰۰۲). شاید مفهومی که بتوان به صورت توأمان برای ایجاد امکان و انگیزه مشارکت‌خواهی از عموم ابراز کرد، بهبود ظرفیت مشارکت در حکمرانی است؛ ظرفیتی که برای ورود بازیگران به حاشیه رانده شده و غیرستنی، عمیقاً وابسته به فراهم کردن فضاهای گفتگویی و مشارکتی است که البته توسط منابع مالی پشتیبانی می‌شود (مک‌آرتور^۱، ۲۰۱۶). این افزایش ظرفیت و به تبع، آن افزایش مشارکت، منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت پایگاه حاکمیت در میان عموم خواهد شد. یک خطمشی یا اقدام عمومی زمانی مشروع است که شهروندان دلایل خوبی برای حمایت یا اطاعت از آن داشته باشند (فانگ، ۲۰۰۶).

یکی از موانع مهم عدم مشارکت‌خواهی از مردم، ذهنیتی است که بین نخبگان سیاسی و به خصوص نمایندگان وجود دارد که مشارکت عمومی، برونداد فرایند قانون‌گذاری را بهبود نمی‌بخشد. ادبیات موجود هم نشان می‌دهد که شواهد تجربی قابل توجهی بر اینکه ایجاد سازوکارهای مشارکت در قانون‌گذاری می‌تواند تخصص بیشتری را به همراه داشته باشد، احتمال ناقص بودن قوانین را کاهش دهد و قوانین بهتر و جامع‌تری تولید کند، وجود ندارد (لستون-باندیرا و تامپسون^۲، ۲۰۱۷). به همین جهت، نمایندگان نیز هنوز نسبت به کاربست این ابزارها در فرایند قانون‌گذاری با احتیاط عمل می‌کنند. این ذهنیت آنگاه تشدید می‌شود که نمایندگان، مشارکت‌خواهی از عموم را تضعیف‌کننده دموکراسی نمایندگی دانسته و یا بیم آن دارند که منجر به انحراف قوانین به نفع گروه‌ها یا بخش‌های قدرتمند جامعه شود که از آن رهگذر، مشروعیت تصمیمات اتخاذ شده توسط سیاستمداران منتخب به چالش کشیده شود (بوچل^۳، ۲۰۱۳). این مانع را باید با تغییر تمرکز از برآیند و برونداد به فرایند و رویه قانون‌گذاری مشارکتی رفع کرد. آنچه از قانون‌گذاری مشارکتی باید متوقع بود بیش و پیش از اصلاح یا بهبود قوانین^۴ تمرین و تکامل عموم از رهگذر مشارکت در یک اقدام جمعی است که این کمال‌یابی فرایندی در طول زمان، منجر به بهبود برآیندهای قانونی نیز خواهد شد.

مانع دیگری که در مقابل امر مشارکت‌خواهی از عموم قرار دارد، بیم از اجرای ناقص آن و به تبع، کاهش اعتماد به نظام سیاسی و مشروعیت فرآیند تصمیم‌گیری است (هوک و مارین^۵، ۲۰۱۴). اجرای ناقص و ناکارآمد فرایند قانون‌گذاری مشارکتی این تصور را در اذهان عموم ایجاد خواهد کرد که از آنها صرفاً استفاده ابزاری شده و بنا نیست از نظرات و افکارشان در عمل استفاده شود و فقط برخوردی نمایشی با قانون‌گذاری مشارکتی شده است. مردم باید نمودی از آراء خویش را در برونداد فرایند قانون‌گذاری ببینند و اگر چنین هم نشود باید با واکنشی استدلالی نسبت به عدم پذیرش نظارتشان مواجه شوند تا حکم به نمایشی بودن مشارکت خویش نکنند.

همانطور که اشاره شد، اگرچه پارلمان‌ها در سراسر جهان در طی سالیان اخیر بر روی طیف وسیعی از سازوکارهای مشارکت عمومی در امر قانون‌گذاری تمرکز کرده‌اند، اما در طی این فرآیند با چالش‌های زیادی مواجهند و باید گفت این موضوع، همچنان به مثابه یک فعالیت پارلمانی نسبتاً جدید شناخته می‌شود (سرا-سیلوا، ۲۰۲۳). مشارکت عمومی، مفهومی مناقشه برانگیز و با اهداف مبهم است (سرا-سیلوا، ۲۰۲۲) که گرچه بسیاری از مسئولان و سیاستمداران از آن حرف می‌زنند و آن را تأیید می‌کنند، ولی در عمل، تقریباً کاری نمی‌کنند و حافظ وضع موجود هستند. علاوه بر این، با توجه به گفتمان‌سازی عمومی از این مفهوم و احساس نیاز به آن در جوامع امروزه، سازوکارهای ورود عموم مردم به فرآیند رسمی قانون‌گذاری هنوز هم اندک بوده (لستون-باندیرا و تامپسون، ۲۰۱۷) و نیاز به توسعه و بهبود دارد.

1. MacArthur
2. Leston-Bandeira & Thompson
3. Bochel
4. Better Regulation
5. Hooghe & Marien

نتیجه‌گیری

پارادوکس سیاست معاصر آن است که اگرچه دسترسی عموم به پارلمان هرگز به اندازه امروز نبوده، اما بیگانگی عمومی از فرآیند رسمی دموکراتیک نیز هرگز به این شدت نبوده است (کلمن^۱، ۲۰۰۴). در طی سالیان گذشته ابزارهای متعددی برای مشارکت‌خواهی از عموم مردم در قانون‌گذاری معرفی شده است. این ابزارها عبارتند از: دادخواست^۲، قرائت عمومی^۳، استماع عمومی^۴، کانال دموکراسی الکترونیکی^۵، ابتکارات شهروندی^۶، سمینارهای قانون‌گذاری^۷، مجمع شهروندان^۸، باهم‌نویسی^۹، جمع‌سپاری^{۱۰}، پلتفرم دموکراسی الکترونیکی^{۱۱}، تالار گفتمان الکترونیکی ساختاریافته^{۱۲}، پانل‌های شهروندان^{۱۳}، دادخواست‌های آنلاین^{۱۴}، استماع عمومی دیجیتال^{۱۵}، و پلتفرم‌های مشارکت الکترونیکی^{۱۶}. با این وجود، هنوز در بسیاری از مجالس دنیا، به سمت کاربست این ابزارها حرکت نکرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی دلایل این انفعال در مجلس ایران بود و پرسش اصلی این است که چرا مجلس ایران هنوز از این ابزارها به شکل کلان و در حد مطلوب استفاده نکرده است.

همان‌طور که یافته‌ها نشان داده است، عوامل عدم مشارکت‌خواهی از مردم در فرایند قانون‌گذاری، در ۵ مضمون حساب‌شده، ایدئولوژیک، تحمیلی، اکراهی و سهوی قرار گرفتند. هر یک از این مضامین شامل مقوله‌ها و زیرمقوله‌هایی هستند که شناسایی شده‌اند. البته باید توجه داشت هر کنشی که از حاکمیت برای تقویت مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری بناست انجام پذیرد، لاجرم باید در ظرف قدرتمندی از مسئله‌مندی و البته ساختاردهی به آن مسائل باشد تا صرفاً برخوردی ابزاری با سازوکارهای مشارکت‌خواهی از مردم در فرایند قانون‌گذاری نشود. در همین راستا توصیه می‌شود مجلس ایران با رعایت ملاحظات زیست‌بومی و فرهنگی خود فناوری‌های قانون‌گذاری مشارکتی را انتخاب کرده یا بسازد و نیک بداند که مدل نظام دموکراسی نمایندگی دیگر تکافوی تأمین نظارت عامه مردم در عصر اطلاعات و عصر مفهوم را نکرده و باید تدابیری برای شنیدن صداها و نظرات عموم مردم به نحو مطلوب اتخاذ شود.

تعارض منافع

نویسندگان بیان می‌کنند که هیچ تعارض منافی نداشته‌اند.

سپاسگزاری‌ها

نویسندگان از سردبیر و داوران این مقاله تقدیر می‌کنند که با نظرات خود به افزایش کیفیت این مقاله کمک کردند. همچنین از مدیران و کارشناسانی که در مجلس شورای اسلامی این امکان را فراهم کردند تا این پژوهش انجام شود هم قدرانی می‌شود.

1. Coleman
2. petitions
3. public reading
4. Public Hearing
5. e-Democracy channel
6. citizens' initiatives
7. Legislative seminars
8. citizens' assembly
9. CrowdLaw
10. Crowdsourcing
11. E-Democracy Platform
12. Structured e-Forum
13. citizens' panels
14. online petitions
15. Public digital hearings
16. e-participation platforms

نامین‌کنندگان مالی

پژوهش حاضر حاصل مطالعه کارشناسی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران است که مورد حمایت مالی و معنوی آن مرکز قرار گرفته است.

References

- Acosta, M., Nestore, M., Jarquín-Solís, M. E., & Doubleday, R. (2022). A typology of advisory bodies in legislatures and research perspectives. *The Journal of Legislative Studies*, 1–26. <https://doi.org/10.1080/13572334.2022.2070985>
- Anderson, J. E. (2014). *Public policymaking : an introduction* (8th Edition). Cengage Learning.
- Beyers, C., & Nicholls, E. (2020). Government through Inaction: The Venezuelan Migratory Crisis in Ecuador. *Journal of Latin American Studies*, 52(3), 633–657. <https://doi.org/10.1017/S0022216X20000607>
- Bherer, L., Dufour, P., & Montambeault, F. (Eds.). (2018). *The Participatory Democracy Turn* (1st Edition). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315145341>
- Bishop, P., & Davis, G. (2002). Mapping Public Participation in Policy Choices. *Australian Journal of Public Administration*, 61(1), 14–29. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.00255>
- Bochel, C. (2013). Petitions Systems: Contributing to Representative Democracy? *Parliamentary Affairs*, 66(4), 798–815. <https://doi.org/10.1093/pa/gss005>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706QP063OA>
- Brown, P. R., & Stark, A. (2022). Policy inaction meets policy learning: four moments of non-implementation. *Policy Sciences*, 55(1), 47–63. <https://doi.org/10.1007/s11077-021-09446-y>
- Bundi, P. (2018). Parliamentarians' strategies for policy evaluations. *Evaluation and Program Planning*, 69, 130–138. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2017.02.003>
- Coleman, S. (2004). Connecting parliament to the public via the Internet: Two case studies of online consultations. *Information, Communication & Society*, 7(1), 1–22. <https://doi.org/10.1080/1369118042000208870>
- Dean, R. J. (2017). Beyond radicalism and resignation: the competing logics for public participation in policy decisions. *Policy & Politics*, 45(2), 213–230. <https://doi.org/10.1332/030557316X14531466517034>
- Dunn, W. N. (2017). *Public policy analysis : an integrated approach* (6th edition). Routledge.
- Dye, T. R. (2016). *Understanding public policy* (15th edition). Pearson.
- Fung, A. (2006). Varieties of Participation in Complex Governance. *Public Administration Review*, 66(s1), 66–75. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2006.00667.x>
- Griffith, J., & Leston-Bandeira, C. (2012). How Are Parliaments Using New Media to Engage with Citizens? *The Journal of Legislative Studies*, 18(3–4), 496–513. <https://doi.org/10.1080/13572334.2012.706058>
- Hooghe, M., & Marien, S. (2014). How to reach Members of Parliament? Citizens and Members of Parliament on the Effectiveness of Political Participation Repertoires. *Parliamentary Affairs*, 67(3), 536–560. <https://doi.org/10.1093/pa/gss057>
- Hoppe, R. (2010). *The governance of problems : puzzling, powering, participation* (First edition). Policy Press.
- Howlett, M., & Mukherjee, I. (2018). *Routledge handbook of policy design* (1st Edition). Routledge.
- Kabingesi, A. (2021). *An assessment of public participation in the law-making and other activities of the Parliament of the Republic of South Africa* [Stellenbosch : Stellenbosch University]. <http://hdl.handle.net/10019.1/110137>
- Khosravi, M., Babaei, H., & ZinatBakhsh, J. (2024). *Inaction in the design and use of public participation tools in legislation*.
- Leston-Bandeira, C. (2014). The Pursuit of Legitimacy as a Key Driver for Public Engagement: The European Parliament Case. *Parliamentary Affairs*, 67(2), 415–436. <https://doi.org/10.1093/pa/gss050>

- Leston-Bandeira, C., & Thompson, L. (2017). Integrating the view of the public into the formal legislative process: public reading stage in the UK House of Commons. *The Journal of Legislative Studies*, 23(4), 508–528. <https://doi.org/10.1080/13572334.2017.1394736>
- Lieffers, J. R. L., Ekwaru, J. P., Ohinmaa, A., & Veugelers, P. J. (2018). The economic burden of not meeting food recommendations in Canada: The cost of doing nothing. *PLOS ONE*, 13(4), e0196333. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0196333>
- Lohse, N., Ersbøll, C., & Kingo, L. (2011). Taking on the challenge of noncommunicable diseases: We all hold a piece of the puzzle. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 115(S1), S52–S54. [https://doi.org/10.1016/S0020-7292\(11\)60016-7](https://doi.org/10.1016/S0020-7292(11)60016-7)
- Love, J., & Garg, A. (2014). Presidential inaction and the separation of powers. *Michigan Law Review*, 112(7), 1195–1250.
- MacArthur, J. L. (2016). Challenging public engagement: participation, deliberation and power in renewable energy policy. *Journal of Environmental Studies and Sciences*, 6(3), 631–640. <https://doi.org/10.1007/s13412-015-0328-7>
- Matthieu, J., Vrydagh, J., Caluwaerts, D., & Erzeel, S. (2020). The democratic credentials of youth parliaments. The case of the Belgian Jeugd Parlement Jeunesse. *The Journal of Legislative Studies*, 26(2), 204–222. <https://doi.org/10.1080/13572334.2020.1731982>
- McConnell, A. (2020). The use of placebo policies to escape from policy traps. *Journal of European Public Policy*, 27(7), 957–976. <https://doi.org/10.1080/13501763.2019.1662827>
- McConnell, A., & t'Hart, P. (2014). Public policy as inaction: The politics of doing nothing. Available at SSRN 2500010.
- McConnell, A., & t'Hart, P. (2019). Inaction and public policy: understanding why policymakers 'do nothing.' *Policy Sciences*, 52(4), 645–661. <https://doi.org/10.1007/S11077-019-09362-2>
- Migchelbrink, K., & Van de Walle, S. (2022). Increasing the cost of participation: red tape and public officials' attitudes toward public participation. *International Review of Administrative Sciences*, 88(3), 644–662. <https://doi.org/10.1177/0020852320942311>
- Mukuna, J., & Mbaio, M. L. (2014). Popular Participation in Legislative Law-Making under the New Democratic Dispensation in Kenya. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(20), 438–446. <https://doi.org/10.5901/mjss.2014.v5n20p438>
- Niessen, C., & Reuchamps, M. (2022). Institutionalising Citizen Deliberation in Parliament: The Permanent Citizens' Dialogue in the German-speaking Community of Belgium. *Parliamentary Affairs*, 75(1), 135–153. <https://doi.org/10.1093/pa/gsaa056>
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1–13. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>
- Pluchinotta, I., Giordano, R., Zikos, D., Krueger, T., & Tsoukiàs, A. (2020). Integrating Problem Structuring Methods And Concept-Knowledge Theory For An Advanced Policy Design: Lessons From A Case Study In Cyprus. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 22(6), 626–647. <https://doi.org/10.1080/13876988.2020.1753512>
- Prior, A., & Leston-Bandeira, C. (2022). Parliamentary storytelling: a new concept in public engagement with parliaments. *The Journal of Legislative Studies*, 28(1), 67–92. <https://doi.org/10.1080/13572334.2020.1848081>
- Ranchordás, S., & Voermans, W. (2017). Crowdsourcing legislation: new ways of engaging the public. *The Theory and Practice of Legislation*, 5(1), 1–4. <https://doi.org/10.1080/20508840.2017.1303224>
- Restrepo, J., & Christiaans, H. (2004). Problem Structuring and Information Access in Design. *Journal of Design Research*, 4(2), 218–236. <https://doi.org/10.1504/JDR.2004.009842>
- Ruth, M. (2010). Economic and Social Benefits of Climate Information: Assessing the Cost of Inaction. *Procedia Environmental Sciences*, 1, 387–394. <https://doi.org/10.1016/j.proenv.2010.09.026>
- Serra-Silva, S. (2022). How parliaments engage with citizens? Online public engagement: a comparative analysis of Parliamentary websites. *The Journal of Legislative Studies*, 28(4), 489–

512. <https://doi.org/10.1080/13572334.2021.1896451>
- Serra- Silva, S. (2023). Beyond national boundaries in the study of digital public engagement: Interparliamentary institutions and cooperation in the Austrian and Portuguese national parliaments. *Policy & Internet*, 15(1), 36–54. <https://doi.org/10.1002/poi3.326>
- Su Seo, H., & Raunio, T. (2017). Reaching out to the people? Assessing the relationship between parliament and citizens in Finland. *The Journal of Legislative Studies*, 23(4), 614–634. <https://doi.org/10.1080/13572334.2017.1396694>
- Voermans, W., ten Napel, H.-M., & Passchier, R. (2015). Combining efficiency and transparency in legislative processes. *The Theory and Practice of Legislation*, 3(3), 279–294. <https://doi.org/10.1080/20508840.2015.1133398>
- White, M. D., & Marsh, E. E. (2006). Content Analysis: A Flexible Methodology. *Library Trends*, 55(1), 22–45. <https://doi.org/10.1353/lib.2006.0053>.

